

قانونی بدون عدالت



اشرف گرامی‌زادگان

مشاور حقوقی پیشین
معاونت امور زنان و خانواده

نخست باید گفت که چرا تدوین قوانین و مقررات، ضرورت عصر حاضر است و چرا باید برای حفظ امنیت و آرامش مردم قانون نوشت و آن را اجرایی کرد. وقتی به درک ضرورت تدوین قوانین برسیم و آن را برای همه افشار جامعه لازم بدانیم، آن وقت بحث عدالت و انصاف پیش می‌آید. اگر قانونی بدون رعایت انصاف و عدالت مصوب شود، در ذات خود، قانون به‌معنای واقعی نیست بلکه جفا بر افرادی است که از این مصوبه متضرر می‌شوند. مهم‌تر از این، قانون‌گذار خود باید اهل عدالت و انصاف باشد و حقوق افراد را پاس بدارد. چون هر تأیید و صحه گذاشتن آن‌هاست که منجر به سود یا زیان برای فرد دیگری می‌شود. پاسداشت و ارزش‌گذاری به قوانین تنها در صورت پایبندی به مفهوم عدالت و اجرای آن، قانون جامع است و لاغیر.

«طرح اصلاح مواد از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی از احکام راجع به مهریه» که اخیراً به تصویب رسید، نگاه خود را بر چند موضوع قرار داده است و علت وجود این طرح را بر مبنای نوسان قیمت طلا در مهریه‌هایی که بر آن اساس شکل گرفته است، حبس محکوم‌علیه در پرداخت‌شدن مهریه، انباشته‌شدن دعاوی در محاکم به‌جهت عدم‌رسیدگی فوری به دعاوی مهریه و دغدغه‌های مشابهی که منجر به تدوین طرح مذکور شد، عنوان کرد. اما یک موضوع را فراموش کرده است. چه‌ماده‌ای را برای حقوق زنان منظور کرده تا جبران از دست‌رفته‌های زنان شود. چه امتیازی را برای زنان منظور کرده است تا نگرانی ایجاد نشود.

نمایندگان می‌توانستند پیشنهاداتی بدهند که حسن‌نیت‌شان در پایداری خانواده محرز شود. به‌عنوان مثال حقوقی که در دفتر ازدواج به‌عنوان شرط آمده است مثل حق اشتغال، حق تحصیل و سایر شروط اختیاری را رسمیت ببخشند و از اختیاری به قانون ثابت تبدیل نمایند، یا روشی اتخاذ کنند که دست‌مردانی را که به‌عمد در پوشش ازدواج، حقوق مادی و معنوی زنان را نادیده می‌گیرند و برای خانواده شدن، چشم بر تعهدات خود می‌بندند، ببندند. اینجا لازم است به چند نکته اشاره شود:

▶ در آداب و رسوم و دین و آیین به حق مهریه به‌صراحت توصیه شده است.

▶ مهریه با انتخاب آزادانه طرفین و با توافق تعیین می‌شود. هیچ مردی هنگام عقد ملزم به پذیرش مهریه سنگین نیست.

▶ حتی جهیزیه که در قانون در زمره نفقه آمده و خانواده عروس تهیه می‌کنند، قانوناً یا مرد است و موارد دیگر که بیان آن اطاله کلام می‌شود.

حال نمایندگان مجلس شورای اسلامی که این همه سال درباره تشکیل خانواده و افزایش جمعیت فریاد می‌زنند و طرح می‌داند و مکرر از تریبون اعلام خطر می‌کردند، در تضاد با سخنان سابق، تصمیم گرفتند با توجیه مشکلاتی که در مقدمه طرح آورده شده است، خانواده را پایدار نگه دارند. مگر پیدا می‌شود خانواده‌ای دخترش را بدون آینه‌نگری به مرد (شوهر) بسپارد؟ در قبال حذف حبس، مجلسیان چه پیشنهادی می‌دهند تا حسن سلوک زنان و مردان در خانه متزلزل نشود؟ یک نکته هم از نظر دور نماند که مهریه‌هایی که تفکر تجارت‌را ایجاد می‌کند و منجر به این مباحث در جامعه می‌شود، با هیچ منطقی قابل قبول نیست و باید برای توافق مناسب، فرهنگ‌سازی شود. اغلب لواچی که به هدف احقاقی حقوق زنان تدوین می‌شود، با نگاه و بیش مردسالاری و تفکر حفظ‌ضروری دانستن سلطه جنس مرد در خانواده، به تصویب نمی‌رسد. لایحه خشونت هم مانند بقیه لواچ و طرح‌هایی که شخصاً در جریان آن قرار دارم، شامل این نگرش است. به امید اینکه این نگرش اصلاح شود.

به باور من، تأثیر این قانون روی جامعه، منفی خواهد بود. نگرانی در جامعه افزایش و ازدواج کاهش می‌یابد. به‌تبع آن جمعیت کاهش بیشتری پیدا خواهد کرد. خانواده می‌خواهد دخترش به خانه‌ای برود که در آن عشق، محبت، رفاه مناسب و آینده‌ای مطمئن رقم بخورد، وقتی نگرانی افزایش پیدا کند، مشکلات دیگری پدید می‌آید. همه می‌دانیم که قانون همیشه حقوق و اختیارات بیشتری برای مردان در نظر گرفته است. کافی است فقط یک‌بار قانون مدنی را بخوانید! توضیح اینکه، نه از آن بابت که مردان به‌خاطر عدم پرداخت حبس نمی‌شوند، بلکه به این جهت که مجلس مابه‌ازایی مناسب برای زنان در قبال آن تعیین نکرده است. تصویب این لایحه به‌نفع هیچ‌کس نیست. در ظاهر مردان از زیر بار تعهد مهریه خلاص می‌شوند. اگر مرد تعهد مطلوبی به همسرش ندهد وزن در ترس از آینده باشد، آن خانه، خانه می‌شود؟ آن زن، همان زنی می‌شود که نگران آینده نبود؟ بعید است. نمایندگان باید درباره تصویب این لایحه تأمل بیشتری کنند و برای آینده زنان، مرد را متعهد به مسئولیت در آینده نمایند و راه‌ها را قرار از تعهد را عادی‌سازی نکنند. این طرح راهگشانیست.

عکس: آژانس عکس تهران



گزارش «هم‌میهن»

از جزئیات سنجش ملی کیفیت یادگیری
دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایینمره ضعیف
در دروس پایه

بیش از نیمی از دانش‌آموزان سیستان و بلوچستان به کف یادگیری درس ریاضی نمی‌رسند

درس و در کشور از نقطه وسط مقیاس، پایین‌تر است. در این مطالعه نمره ۵۰۰ معادل با میانگین نمرات مقیاس در مطالعه و نمرات کمتر یا بیشتر از ۵۰۰ به‌معنای نمرات کمتر یا بیشتر از میانگین مقیاسی است. در درس ریاضی، نمره کل کشور برابر با ۴۴۶، در درس علوم میانگین آن برای درس علوم ۴۲۲ و در درس خواندن این میانگین ۴۴۶ به‌دست آمد.

براساس تحلیل‌های نهایی، عملکرد ریاضی دانش‌آموزان در کل کشور براساس مقیاس میانگین ۵۰۰ و انحراف استاندارد ۱۰۰، برابر با ۴۴۶ برآورد می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر عملکرد دانش‌آموزان در ریاضی از نقطه مقیاس پایین‌تر است. غیر از استان‌های همدان، سمنان و شهر تهران که به‌دلیل رعایت نکردن هر سه سطح استاندارد نمونه‌گیری و نرخ مشارکت پایین در این گزارش قرار نگرفته‌اند، عملکرد ریاضی دانش‌آموزان استان‌های یزد و مرکزی بالاتر از سایر استان‌ها قرار دارد و در مجموع تنها استان‌های مرکزی، اصفهان و فارس از نظر معناداری بالاتر از میانگین کشور قرار دارند. در نقطه مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان، کمترین میانگین ریاضی را در کشور کسب کرده‌اند و استان‌های هرمزگان، خوزستان، کردستان، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی از میانگین کشوری، عملکرد ریاضی پایین‌تری داشتند. طبق نتایج این سنجش، بیش از نیمی از دانش‌آموزان استان سیستان و بلوچستان یعنی حدود ۵۳ درصد حتی به کف یادگیری در این درس نمی‌رسند؛ نتیجه‌ای که در دو درس دیگر هم مشاهده می‌شود.

▼ رتبه بهتر غیردولتی‌ها

در مقایسه عملکرد درس ریاضی در انواع مدارس، بهترین عملکرد را دانش‌آموزان مدارس غیردولتی نشان دادند. پس از این مدارس، دانش‌آموزان مدارس شاهد قرار گرفتند و تفاوت عملکرد این گروه از دانش‌آموزان نیز با سایر دانش‌آموزان معنادار بود. میانگین عملکرد ریاضی دانش‌آموزان مدارس غیردولتی حمایتی، عادی و عشایری بعد از این سه گروه بودند، ولی تفاوت‌های این سه گروه از لحاظ آماری معنادار محسوب نمی‌شود. در تحلیل بعدی دانش‌آموزان مدارس شهری و روستایی از نظر عملکرد ریاضی مقایسه شدند که مشخص شد دانش‌آموزان مدارس شهری با میانگین ۴۵۱ از مدارس روستایی با میانگین ۴۲۱ عملکرد ریاضی بهتری داشتند. همچنین مقایسه بین مدارس با جنسیت‌های مختلف هم نشان داد که مدارس دخترانه تفاوتی از نظر عملکرد با مدارس پسرانه ندارند ولی مدارس مختلط به‌طور معناداری عملکرد ضعیف‌تری نسبت به مدارس تک‌جنسیتی دارند.

عمومی میانگین نمرات آزمون‌های نهایی یا کل یک دوره تحصیلی را براساس جدول ۲۰ برنامه هفتم توسعه مدنظر داشته باشیم، آمارها نشان می‌دهد که میانگین نمرات نهایی پایه دوازدهم نظری در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ حدود ۵۸ درصد افزایش داشته است. میانگین نهایی نمرات پایه یازدهم نظری در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال ۱۴۰۳ حدود ۰/۶ درصد افزایش داشته است. معدل دوره دوم متوسطه نظری براساس تکلیف جدول ۲۰ ماده ۷۸ قانون برنامه هفتم توسعه، از ۱۴/۷۵ در سال ۱۴۰۳ به ۱۵/۳۲ در سال ۱۴۰۴ رسیده که نشان‌دهنده ۰/۵۷ درصد ارتقا است. عملکرد دانش‌آموزان در امتحانات نهایی پایه دوازدهم، به‌دلیل تعددی از جمله تعطیلی‌های ناخواسته ناشی از ناترازی‌های انرژی و آلودگی هوا تحت‌تأثیر قرار گرفته و باعث افت تحصیلی به میزان ۰/۴۳ درصد در سال ۱۴۰۴ شده است.»

حالا به‌تازگی نتایج «سنجش ملی کیفیت یادگیری دانش‌آموزان در سال ۱۴۰۰» در دسترس قرار گرفته و وضعیت را کمی روشن‌تر می‌کند. این سنجش ملی توسط پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش در سراسر کشور انجام شده و سه درس اصلی خواندن و نوشتن به زبان مادری، ریاضی و علوم دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی را به‌عنوان شاخصی برای آگاهی از کیفیت یادگیری آنها ارزیابی کرده است.

در بخشی از این گزارش نوشته شده است که این نتایج حداقل در درس ریاضی در مطالعات سابق نیز خودش را به‌شکلی مشابه نشان داده است و عملکرد ریاضی دانش‌آموزان از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. براساس نتایج مطالعه بین‌المللی روندهای آموزش علوم و ریاضی (تیمز) که هر چهارسال یکبار از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۹ در بیش از ۵۰ کشور از جمله ایران اجرا شده، عملکرد ریاضی دانش‌آموزان پایه چهارم ایران همیشه پایین‌تر از میانگین بین‌المللی بوده است. نتیجه آخرین دوره مطالعه در سال ۲۰۱۹ نشان داده که میانگین ریاضی دانش‌آموزان ایران در پایه چهارم، برابر با ۴۴۳ است که نسبت به دوره قبل از آن یعنی سال ۲۰۱۵، ۱۲ نمره رشد داشته است. علاوه بر این ۳۲ درصد از دانش‌آموزان پایه چهارم هم به حداقل سطح شایستگی مورد انتظار در ریاضی نرسیدند و تنها دو درصد از آنها به سطح بالاترین معیار عملکردی رسیده بودند. علاوه بر این مطالعه «سنجش صلاحیت‌های پایه: ارزشیابی درون‌داده‌ها و برون‌دادهای آموزشی در ایران» که در پایه پنجم ابتدایی انجام شد نیز نشان می‌دهد که عملکرد دانش‌آموزان از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. حالا نتایج بررسی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم نشان داد که همچنان عملکرد تحصیلی آنها در این



سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

هشدار درباره وضعیت افت تحصیلی حالا به سطح وزارت آموزش و پرورش هم رسیده و این نگرانی در میان گفته‌های مسئولان آن هم دیده می‌شود. نمونه آن مهدی نوید ادهم، مشاور وزیر آموزش و پرورش است که خردادماه امسال درباره وضعیت نمرات آزمون‌های نهایی هشدار داد و گفت که در آزمون‌های نهایی، نمرات دانش‌آموزان بین ۸ تا ۱۰ و میانگین کشوری نیز در همین حدود است و این فقط زنگ خطر نیست، بلکه خود خطر است.

چهارسال قبل، یعنی در سال‌های آخر دوران کرونا «سنجش ملی کیفیت یادگیری دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی» به نتایج مشابهی رسیده بود و پیشاپیش از رسیدن به شرایط فعلی خبر می‌داد. براساس یافته‌های این سنجش، در هر سه درس، حدود یک‌سوم دانش‌آموزان به حدنصاب پایین نرسیده‌اند. به‌طور میانگین عملکرد دانش‌آموزان در درس علوم ضعیف‌تر از ریاضی و خواندن است، اما به‌لحاظ شکاف بین استان‌ها، بیشترین اختلاف نمره در درس خواندن است؛ یعنی ۱۴۰ نمره اختلاف بین بالاترین و پایین‌ترین استان. در درس ریاضی عملکرد دختران و پسران به هم نزدیک است اما در خواندن عملکرد دختران به‌طور میانگین حدود ۵۰ نمره بالاتر از پسران بوده است.

۱۵ مهر ماه امسال علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش، برای پاسخ به سوال محمدرضا صباغیان، نماینده بافق و مهریز، درباره دلایل افت شدید وضعیت علمی دانش‌آموزان کشور در صحن علنی مجلس حاضر شد. به گفته کاظمی: «افت تحصیلی فرآیندی زمان‌بر است و نمی‌توان انتظار داشت تنها در یک‌سال تغییرات قابل ملاحظه‌ای در آن ایجاد شود؛ ریشه‌های این پدیده را می‌توان در چهار لایه مورد بررسی قرار داد.» به گفته او اولین دلیل در عوامل ساختاری و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور است و یکی از مهم‌ترین دلایل افت تحصیلی، شکاف میان برنامه درسی با نیازهای زمانه است. به اعتقاد وزیر آموزش و پرورش، برنامه درسی کنونی مبتنی بر محفوظات بوده و از نیازهای واقعی بازار کار و مهارت‌های زندگی در قرن ۲۱ فاصله دارد. این امر موجب کاهش انگیزه درونی دانش‌آموزان می‌شود.

البته وزیر آموزش و پرورش در همین جلسه از یک روند رو به رشد در حوزه آموزش عمومی هم گفته بود که البته با دیدگاه‌های کارشناسان حوزه آموزش و معلمان کمی متفاوت است؛ طبق اظهارات او: «اگر در حوزه آموزش

علی بهشتی‌نیا
کارشناس آموزش:

دانش‌آموزان ابتدایی
و متوسطه اول و دوم
توان خواندن، نوشتن
و درک متن را ندارند.
دانش‌آموزان بسیار بد
خط شده‌اند و املائی
بسیار ضعیف دارند و
این نشان می‌دهد که
کتاب نمی‌خوانند. قرار
بود معلمان ادبیات
بر خواندن متن تأکید
کنند اما آنچه می‌بینیم
خلاف آن است.
برای مثال در مقطع
متوسطه اول، درس
ادبیات به یکی از
دروس نهایی تبدیل
شده و فقط به‌صورت
تستی با دانش‌آموز
کار می‌شود